ف، هیرمند ۲۰۱۵/۰۲/۱۵

ولادیمیر پوتین مدافع «رویای روسی»

مصاحبه کننده: "توما گوئین"

مترجم: ف، هیرمند

یادداشت مترجم:
امروز مصادف به ۲۶ دلو (۱۵ فبروری) روز خروج عساکر اشغالگر اتحاد شوروی سابق از وطن ستمکش ما افغانستان جنگزده و زخمی می باشد. گرچه از آن زمان تا حالا تقریباً ۲۷ سال سپری می شود، اما آتش بی ثباتی و جنگی را که نظام دست نشاندهٔ روس ها در وطن ما فروزان نمودند تا حالا در سوختن و سوختاندن است، و بازهم گرچه که به بهای هنگفت نا آرامی تقریباً دائمی کشور ما شوروی سابق از صفحهٔ تأریخ پاک گردید، اما میراث خوار آن یعنی جمهوری فدراتیف روسیه تا هنوز اشتهای توسعه جویی و غارت سرزمین های دیگران را کنار نگذاشته است و ماشین جنگی آن مجدداً به کار افتاده است. این امپریالیزم بی تجربه و فراموش کار، سرنوشت نیای اش
(شوروی سابق) را به خاطر نسپرده است و مردم روسیه را نیز با سُکر "ناسیونالیزم روسیهٔ بزرگ" اغفال نموده است مگر تا بیداری واقعی مردم روسیه، هر روز خون مردم بی گناه شرق اوکراین می ریزد و ثبات و امنیت بخشی از اروپا نیز مورد تهدید قرار گرفته است.
این رویداد های ازهم دور، ولی روی خط واحد تأریخ توسعه طلبی روسیه را تمسک قرار داده و به ترجمهٔ این مصاحبهٔ مختصر ولی جامع "توما" که با "الچنیوف" به عمل آورده و در روزنامهٔ فرانسوی «میترو نیوز» مورخهٔ ۲۰۱۵/۰۲/۱۳ انتشار یافته، دست یازیدم، تا مگر نکات مفید و آموزندهٔ آن خوانندگان گرامی را پسند افتد و اینک متن مصاحبه:

«۱- در حوزهٔ دیپلوماسی: رئیس جمهور روسیه متعهد است با یک بازوی آهنین همراء با غرب همکار باشد.
۲- در اوکراین: او رویاروی با کیف (اوکراین) و متردد در میان وضعیت جنگی و توسعه جویی»

میشل الچنیوف تحلیل و ارزیابی مهمی در بارهٔ مرد مقتدر روسیه، ولادیمیر پوتین طی کتابی زیر عنوان « در مغز ولادیمیر پوتین» به عمل آورده است، الچنیوف فیلسوف بوده و معاون یک مجلهٔ فلسفی می باشد، مطالب این مصاحبه با پاسخ های همین مؤلف کتاب نامبرده در اینجا به نشر می رسد، این مصاحبه در حالی صورت گرفته که اینک میان روسیه و جانب دو گانهٔ «هولاند و میرکل» توافقی در بارهٔ صلح در اوکراین در حال انعقاد است.

- در کتاب تان از یک تئوری دوگونه و تحریک کننده خبر می دهید، این اظهارات تان ما را از یک آیندهٔ تکان دهنده هشدار میدهد؟
- آری در برابر توافق در حال امضاء در مینسک باید محتاط بود، مباحث و گفت و گو های اساسی در حول و حوش، موقعیت و حالت « دونباس» (ولایتی از اوکراین) می چرخد، به این معنی که آنجا به حالت «غیر مرکزی» در آورده شود، طوریکه یا "کیف" حاکمیت فعلی خود بر آن ساحهٔ ارضی خود را برقرار داشته باشد و یا ساحاتی را ایجاد کند که تحت کنترول و حاکمیت اوکراین نباشد و به طورغیر مستقیم توسط روسیه کنترول شود؟ من سعی می کنم، نیات و دیدگاه های ولادیمیر پوتین را از سال های ۲۰۰۰ بدین سو تحلیل کنم تا وابستگی های ایدیولوژیک او را به صورت عریان دیده بتوانیم؛ به هر صورت بعد از بازگشت مجدد او به ریاست جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۲، موصوف سعی می کند تا مردم روسیه را به دور یک ایدیولوژی به شدت متمایل به امپریالیزم، سازمان بدهد و در این راه از منابع و سرچشمه های متعدد استفاده می جوید.

- آنچه را که شما «امپریالیزم قطعه بازی» مسمی نموده اید؟
- آری پوتین می خواهد مردمش را به گرد یک ایدیولوژی متحد بسازد و از یک «رویای روسی» دفاع می کند تا در ازای آن بتواند قدرت کامل و همه جانبه اش را اکمال و اعمال کند؛ او ایده های امپریالیستی اش را به وسیلهٔ همین قطعه بازی مطرح می کند، با بازی نمودن در رشته ها و پیوند های خیلی متعدد و بنیادی:

از همه اولتر با بهره برداری از نوستلژی با اهمیت «اتحاد شوروی» که نزد شخص مانند او بیش از ٤٠ سال عمر دارد.
به دنبال آن آرمان رویدست گرفتن دفاع از مناطق روسی زبان خارج از قلمرو روسیه است.
سوم، دکمهٔ کامپیوتری او از لحاظ مذهبی"اورتودوکسی"، این دکمهٔ همبستگی مذهبی را می توان مثلاً برای گزینش مناطقی چون بلغاریا، سِرب ها، و حتی یونان فشار داد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

چهارمی آن "پان سلاویزم" است، برای توجیه همبستگی «سلاو ها» علیه غربی ها.
و بلاخره پنجم پروژۀ «یوروآسیاتیک» خواهد بود، یک جنبش سال های۱۹۲۰ که ایدۀ آن موجودیت یک بر اعظم دیگر که نه اروپا و نه آسیا، بلکه بر اعظمی بنام «یورو آسیا» یاد خواهد شد که به ترتیب با جاگزین کردن خویش، به گسترش خود در این سو و آنسو ادامه خواهد داد.

- که این «مسیر روسی»، باز کردن باب دیگری را در فصل پلان هایش به خاطر می آورد؟
- این روش، رواج "سلاوگرایی" را به خاطر می آورد، که در روسیه از اوایل قرن ۱۹ وجود دارد، ایده ای که در آن به چه طریق روسیه نباید خود را نسبت به غرب، عقب مانده، مشاهده کند، در این جا یک خصوصیت روسی وجود دارد و لذا یک مسیر انکشاف خاص که بر پایۀ فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مخصوص به خود آن استوار می باشد.
پوتین بیش از پیش سعی می کند به منابع و رواج هایی استناد کند که تائید گر این نظرش باشد: «ما می خواهیم خود ما باشیم ولی غربی ها از قرن هاست که مانع ما می شوند.»

- آیا «پوتینیزم» بازهم فردا های خوشایندی را پیش رو خواهد داشت؟
پوتینیزم واقعاً تا هنوز وجود ندارد، آنچه در زیر این نام می بینیم، فعلاً فقط «یادداشت کارهای ایدیولوژیک» است، که بازگو خواهد کرد، از کجا و چگونه می توان با جهات متعدد به بازی نشست. برای من روشن نیست که فردا های این دکتورین وجود خواهد داشت! اما چیزی که واضح است آنکه لا اقل از دوسال به این سو مواردی در حال تحرک و جنبش است، مواردی در حوزۀ بیداری ملی، معهذا این جنبش چیزی نخواهد بود مگر بخشی از فرهنگ روسی، بخش قویاً امپریالیستی و جنگ طلبانۀ آن.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ